



سیمین کاظمی:

تغییر قانون مهریه و محدود کردن حق زنان و متزلزل کردن جایگاه حقوقی آنها، راهکار مشکلات موجود نیست و اگر چه تا حدودی از مشکلات مردان می‌کاهد، اما به طور قطع مشکلات جدیدی را به دنبال خواهد آورد. قابل پیش بینی است که این طرح کاهش تمایل زنان به ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش خشونت علیه زنان را در پی داشته باشد.

تأکید جامعه‌شناسان بر اهمیت مهریه برای زنانی که استقلال مالی ندارند

پیشکشی دلخواه یا چالشی بزرگ

گروه اجتماعی / مهریه، به‌عنوان یکی از حقوق مالی زن در نظام حقوقی خانواده ایران، جایگاه برجسته‌ای دارد؛ نهادی که علاوه بر تثبیت جنبه‌ای از حقوق اقتصادی زنان، از دیرباز نقشی کلیدی در تأمین نوعی امنیت حقوقی برای آنان ایفا کرده است. این نهاد، ریشه در سنت‌های دینی و فرهنگی دارد، اما به‌مرور زمان، هم در کارکرد و هم در برداشت اجتماعی، دچار تحولی شده است که اکنون آن را به یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل خانوادگی و اجتماعی در جامعه ایران بدل کرده است.

دکتر طاهره رستمی: مهریه هدیه‌ای از سر محبت و احترام است

دکتر طاهره رستمی، جامعه‌شناس و عضو پژوهشکده علوم بهداشتی، با نگاهی جامعه‌شناختی به مسأله مهریه، نگاه می‌کند و معتقد است نباید صرفاً در قالب یک «حق مالی» آن را تحلیل کرد. مسأله مهریه را به مثابه نمادی از «مناسبات قدرت در خانواده» باید فهمید. به گفته او «تحولات حقوقی و فرهنگی چند دهه اخیر، بویژه در بستر نابرابری‌های موجود میان زن و مرد در قانون و عرف، باعث شده مهریه از حالت سنتی و عاطفی خود فاصله بگیرد و به ابزاری برای حفظ بخشی از «امنیت و استقلال اقتصادی» زنان تبدیل شود. در شرایطی که بسیاری از حقوق اساسی مانند حق طلاق، حضانت فرزندان یا حق تعیین محل زندگی در اختیار مردان است، مهریه گاه به تنها پشتوانه و ابزار چانه‌زنی زنان در برابر این نابرابری‌ها تبدیل می‌شود.

دکتر رستمی با یادآوری آموزه‌های دینی و سیره عملی بزرگان دین، تأکید می‌کند: «فلسفه اصلی مهریه «هدیه‌ای از سر محبت و احترام» است؛ نشانه‌ای از پابندی مرد به مسئولیت‌ها و تعهداتش در زندگی مشترک.» اما او هشدار می‌دهد که امروزه شاهد نوعی وارونگی در این معنا هستیم. متأسفانه مهریه، بویژه با افزایش‌های افراطی و غیرواقعی، در برخی موارد به عاملی برای فشارهای اقتصادی، بروز تنش در خانواده و حتی ابزار سوءاستفاده در مناسبات زوجین تبدیل شده است.» او این وضعیت را ناشی از یک چرخه معیوب می‌داند؛ چرخه‌ای که در آن فقدان توازن حقوقی و اجتماعی میان زن و مرد، زنان را ناگزیر می‌کند که با بالا بردن رقم مهریه، بخشی از احساس ناامنی و بی‌پناهی خود را جبران کنند. دکتر رستمی با تأکید بر ضرورت بازنگری همزمان و هماهنگ در سه حوزه قوانین، فرهنگ عمومی و آموزش‌های پیش از ازدواج می‌گوید: «مسأله

مهریه، پیچیده‌تر از آن است که فقط با کاهش عددی مهریه یا کم کردن تعداد سکه‌ها حل شود. چنین رویکردی نه تنها مشکل اصلی را برطرف نمی‌کند، بلکه ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای برای زنان و خانواده‌ها داشته باشد. واقعیت این است که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در بخش‌هایی نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی نابرابر زنان به فرصت‌های اقتصادی و حمایت‌های قانونی محدود را تجربه می‌کند. در این شرایط، مهریه به‌عنوان یک ضمانت حداقلی برای امنیت اقتصادی زنان، جایگاهی بسیار مهم و حتی حیاتی یافته است. بنابراین نمی‌توان به سادگی از آن گذشت یا آن را کم‌اهمیت شمرد.» او در ادامه می‌گوید: «مهریه باید به جایگاه اصلی و تاریخی‌اش برگردد؛ یعنی به‌عنوان هدیه‌ای محبت‌آمیز، نماد تعهد و احترام متقابل بین زن و مرد و در چهارچوب رابطه‌ای برابر و محترمانه باشد. این رویکرد می‌تواند به تقویت بنیان خانواده و کاهش تنش‌های ناشی از سوءتفاهم‌ها کمک کند. اما متأسفانه در سال‌های اخیر، افزایش چشمگیر و غیرواقعی مهریه‌ها، این نهاد را از جایگاه اصیل خود دور کرده و تبدیل به منبع فشارهای اقتصادی سنگین بر خانواده‌ها و بویژه مردان شده است. این موضوع گاهی باعث ایجاد فضای تنش و اختلافات خانوادگی و در مواردی سوءاستفاده‌های حقوقی شده که به هیچ عنوان به نفع زنان یا خانواده‌ها نیست.» دکتر رستمی تأکید می‌کند: «برای

حل این مسأله، لازم است که اصلاحات حقوقی با آموزش‌های فرهنگی و برنامه‌های گسترده آموزشی پیش از ازدواج همراه شود تا زوج‌ها با آگاهی بیشتر و نگرش صحیح‌تری به مهریه و نقش آن در زندگی زناشویی نگاه کنند. تنها در این صورت است که مهریه می‌تواند به عنوان نمادی از محبت، احترام و امنیت اقتصادی در خانواده‌ها جایگاه مناسبی داشته باشد و در عین حال از فشارها و سوءاستفاده‌ها جلوگیری شود.»

دکتر رستمی درباره طرح پیشنهادی کاهش مهریه از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه می‌گوید: «این طرح که با هدف کاهش مشکلاتی مانند زندانی شدن مردان و فشارهای مالی بر زوج‌ها مطرح شده است، نیت مثبتی دارد و می‌تواند در کاهش برخی سوءاستفاده‌ها مؤثر باشد، اما نباید فراموش کنیم که مهریه برای بسیاری از زنان، بویژه کسانی که دسترسی کافی به حمایت‌های قانونی، شغلی و اجتماعی ندارند، تنها پشتوانه حداقلی برای امنیت مالی است.» او با تأکید بر لزوم رویکرد حمایتی جامع به‌جای تصمیمات تقلیل‌گرایانه توضیح می‌دهد: «کاهش مهریه بدون ایجاد جایگزین‌های حمایتی مناسب، می‌تواند زنان را آسیب‌پذیرتر کرده

و وضعیت نابرابر آنها را تشدید کند. بنابراین، این موضوع نیازمند رویکردی جامع و همه‌جانبه است که در آن اصلاحات حقوقی، فرهنگی و اقتصادی به‌صورت هماهنگ پیش رود. این جامعه‌شناس می‌گوید: «وقتی زنی در بستر خانواده از حمایت‌های اجتماعی محروم است -از جمله درآمد پایدار، فرصت‌های برابر شغلی، دسترسی به بیمه‌های حمایتی یا حتی امنیت حقوقی در زمان طلاق- مهریه برای او به‌منزله تنها ابزار بازدارنده از حفاظتی باقی می‌ماند. در چنین شرایطی، اگر صرفاً عدد مهریه را کاهش بدهیم ولی هیچ جایگزینی به‌جای آن نگذاریم، نه‌تنها بار مسئولیت و آسیب‌ها بر دوش زنان بیشتر خواهد شد، بلکه در بلندمدت شکاف جنسیتی در ساختار خانواده و جامعه تعمیق خواهد یافت.» او با بیان اینکه نمی‌توانیم تنها با محدود کردن مهریه، به‌نوعی عدالت برسیم، توضیح می‌دهد: «در حالی که همچنان بخش بزرگی از زنان جامعه به منابع قدرت، فرصت و امنیت دسترسی ندارند مهریه، در فقدان این حمایت‌ها، نقشی فراتر از پول نقد ایفا می‌کند؛ نمادی از امکان چانه‌زنی، ابزار تأمین آینده و سپری برای مواجهه با تبعات اقتصادی طلاق است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، به جای تکیه بر نهاد سنتی مهریه، شبکه‌ای از حمایت‌های گسترده اجتماعی مانند دسترسی به وکیل رایگان، مستمری پس از طلاق، نظام‌های قضایی عادلانه و بیمه‌های حمایتی برای زنان در نظر گرفته شده است. در صورتی که چنین سازوکارهایی در کشور ما نیز فراهم شود، آن‌گاه می‌توان از نقش فعلی مهریه کاست، اما بدون این پیش شرط‌ها، کاهش عددی مهریه بدون طراحی سیاست‌های مکمل می‌تواند به ضرر زنان تمام شود.»

ضرورت اصلاحات هم‌راستا و فرهنگی

دکتر طاهره رستمی با تأکید بر اهمیت مهریه در ساختار حقوقی خانواده و نقش آن در حفظ استقلال نسبی زنان می‌گوید: «مهریه نه‌فقط یک تعهد مالی است، بلکه کارکردی نمادین و حمایتی در روابط قدرت میان زن و مرد دارد. به‌عنوان یک ضمانت قانونی،

مهریه می‌تواند زن را در برابر تبعات اقتصادی و روانی طلاق محافظت کند و نوعی سپر حمایتی برای زنانی باشد که در مواجهه با ناپایداری‌های زندگی زناشویی، راهی جز خروج از زندگی مشترک ندارند. همین نقش است که به زنان امکان می‌دهد تا با عزت نفس، استقلال نسبی و توان چانه‌زنی، در فضای خانواده و جامعه حاضر شوند و از وضعیت صرفاً وابسته خارج شوند.» او با اشاره به تحولات چند دهه اخیر در جایگاه اجتماعی زنان می‌گوید: «افزایش سطح تحصیلات، ارتقای آگاهی زنان نسبت به حقوق خود و مشارکت فعال‌تر آنها در بازار کار، موجب شده تا کارکرد مهریه در جامعه امروز با پرسش‌های تازه‌ای مواجه شود. مهریه دیگر تنها ابزار تضمین امنیت مالی برای زنانی نیست که در گذشته، غالباً از درآمد مستقل و حمایت‌های قانونی بی‌بهره بوده‌اند؛ بلکه امروز، بخشی از زنان تحصیلکرده خواهان نگاهی مدرن‌تر و متعادل‌تر به روابط زناشویی هستند. با این حال، چون هنوز ساختار حمایتی جایگزین آن در جامعه ما به‌خوبی شکل نگرفته، حذف یا کاهش افراطی مهریه می‌تواند به تضعیف موقعیت زنان در خانواده بینجامد.» رستمی تأکید می‌کند که این



تغییرات، ضرورت یک بازنگری همه‌جانبه در سیاستگذاری‌های خانواده را نشان می‌دهد، «اگر واقعاً هدف‌مان کاهش وابستگی زنان به مهریه است، باید به‌طور موازی، سایر سازوکارهای حمایتی مانند گسترش بیمه‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار برای زنان، ارائه خدمات حقوقی رایگان، حمایت از مادران شاغل و حتی نهادهای‌سازی الگوهای تربیتی جدید را نیز انجام شود، نه تنها به بهبود وضعیت خانواده منجر نمی‌شود، در خانواده، حذف کلیشه‌های جنسیتی و آموزش حقوق برابر به نسل جوان نیز از ارکان این مسیر است.»

ضرورت همسویی اصلاحات حقوقی با تغییرات فرهنگی و ساختاری

به گفته این پژوهشگر حوزه خانواده، «تجربه‌های تاریخی و مطالعات میدانی نشان می‌دهد که هرگونه تغییر در نظام مهریه، اگر بدون پشتوانه‌های فرهنگی، آموزشی و ساختاری انجام شود، نه تنها به بهبود وضعیت خانواده منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است به بازتولید نابرابری‌ها و افزایش آسیب‌های اجتماعی بینجامد.»

او توضیح می‌دهد: «کاهش یا اصلاح مهریه در خلأ سیاست‌های حمایتی و فرهنگی، عملاً می‌تواند موجب تضعیف موقعیت زنان و از بین رفتن یکی از معدود ابزارهای قانونی آنها برای حفظ امنیت اقتصادی و روانی در زندگی زناشویی شود. بنابراین، هر تصمیمی در این حوزه باید بخشی از یک بسته سیاستی کل‌نگر و آینده‌نگر باشد.» دکتر رستمی با تأکید بر ضرورت توازن میان حفظ حقوق زنان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از مهریه، می‌گوید: «برای رسیدن به تعادل مطلوب، کافی نیست صرفاً به اصلاح ماده‌ای از قانون بسنده کنیم؛ باید هم‌زمان با تغییرات حقوقی، بسترهای فرهنگی و آموزشی را نیز دگرگون کنیم. مهریه در بستر تاریخی خود، همواره حامل مفاهیم ارزشی مانند احترام، تعهد و حمایت بوده است. اگر این نهاد حقوقی از محتوای فرهنگی و اخلاقی خود تهی شود یا صرفاً به ابزار فشار و معامله تبدیل شود، هم خانواده و هم جامعه از آن آسیب خواهند دید.» او همچنین تأکید می‌کند که تحقق عدالت جنسیتی و تقویت ساختار خانواده، نیازمند هم‌افزایی واقعی میان نهادهای مختلف است: «فقط با همکاری و هماهنگی میان نهادهای قانونگذار، دستگاه قضایی، نهادهای آموزشی، خانواده‌ها و رسانه‌های فرهنگی است که می‌توان به مدلی از خانواده دست یافت که در آن امنیت اقتصادی و منزلت اجتماعی زنان تضمین شده باشد. در چنین چهارچوبی، مهریه نه به‌عنوان ابزار کشمکش بلکه به‌مثابه بخشی از نظم عادلانه خانوادگی، کارکردی مثبت و متعادل خواهد داشت.»

این جامعه‌شناس با مقایسه وضعیت کنونی با دهه‌های گذشته، می‌گوید: «در گذشته، مهریه اغلب به‌صورت نمادین تعیین می‌شد و بیشتر کارکردی فرهنگی و اخلاقی داشت تا مالی. اما در دهه‌های اخیر، با کاهش امنیت اقتصادی، نابرابری‌های جنسیتی از زنان، مهریه به یکی از معدود ابزارهای قانونی برای تأمین حداقل حقوق زنان در برابر طلاق، خشونت و فقر تبدیل شده است.» او با بیان اینکه در برخی کشورها که نظام مهریه‌ای وجود ندارد، ساختارهای حمایتی قوی‌تری برای زنان فراهم شده است، در حالی که در ایران، مهریه است که نقشی حفاظتی برای زنان ایفا می‌کند.